

تأملی در ضوابط عدم حصر شبهه

سعید سبویی جهرمی^۱

سید حسین نوری^۲

احمد رضا خسروی^۳

چکیده

اگر مجتهد نتواند اماره‌ای برای اثبات حکم شرعی بیابد، به ناچار باید از اصول عملیه کمک بگیرد. یکی از اصول عملیه «اشتغال» است و در جایی جریان می‌یابد که مکلف به اصل تکلیف آگاه است، ولی در متعلق آن تردید دارد و احتیاط نیز ممکن است. از جمله مسائلی که در مبحث «اشتغال» بررسی می‌شود، تمایز بین شبهه محصوره و غیر محصوره است. مشهور فقها بر آن‌اند که در صورت غیر محصوره بودن شبهه، احتیاط لازم نیست. از این رو ضوابطی را برای فرق گذاشتن میان شبهه محصوره و غیر محصوره مشخص کرده‌اند. در نوشتار پیش رو با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، این ضوابط بررسی و نقد شده و معلوم گردیده که همه این ضوابط دچار اشکال‌اند و با بررسی ادله این نتیجه به دست آمده که عنوان «محصوره» و «غیر محصوره» موضوع هیچ دلیلی قرار نگرفته است و در مواردی هم که ادعا شده به دلیل محصور نبودن شبهه به عدم لزوم احتیاط حکم شده، در واقع عناوین دیگری چون «عسر و حرج» یا «خروج از محل ابتلا» علت واقعی منجز نشدن علم اجمالی بوده است.

واژگان کلیدی: شبهه محصوره، شبهه غیر محصوره، احتیاط، علم اجمالی، ضابطه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، sabouei.saeed@ut.ac.ir

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران، پردیس فارابی، sh.noori@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم، a.r.khosravi@gmail.com

مقدمه

زمانی که فقیه از راه دلیل یقینی یا ظنی معتبر به حکم شرعی دست نمی‌یابد، باید به اصول عملیه مراجعه کند تا وظیفه مکلف را در مقام عمل مشخص کند. اصول عملیه عبارت‌اند از استصحاب، برائت، تخییر و احتیاط. اگر مورد مشکوک دارای حالت سابق ملحوظ باشد، وظیفه مکلف عمل به استصحاب است؛ در غیر این صورت اگر شک در اصل تکلیف باشد، برائت جاری می‌شود و در صورتی که اصل تکلیف مشخص باشد و تردید در مکلف‌به باشد، اگر امکان احتیاط وجود داشته باشد، باید احتیاط کند، وگرنه مخیر است. بنابراین محل جریان احتیاط جایی است که اولاً اصل تکلیف مشخص باشد؛ ثانیاً متعلق تکلیف مردد باشد؛ ثالثاً امکان احتیاط وجود داشته باشد؛ مانند اینکه می‌دانیم هنگام ظهر جمعه باید نماز بخوانیم؛ ولی شک داریم که نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر. در این فرض امکان احتیاط وجود دارد و می‌توان هر دو نماز را به جا آورد.

شک در متعلق تکلیف در مجاری احتیاط دو صورت می‌تواند داشته باشد: یکی تردید بین دو متباین و دیگری تردید بین اقل و اکثر. دوران بین دو متباین در صورتی رخ می‌دهد که مکلف‌به بین دو امر مستقلاً که اشتراکی در اجزا ندارند مردد باشد؛ مانند مثالی که گذشت (نماز جمعه جدای از نماز ظهر است و هر دو وجوب مستقل دارند). در مقابل، دوران بین اقل و اکثر زمانی پیش می‌آید که متعلق تکلیف بین دو امری مردد باشد که در مجموعه‌ای از اجزا و شرایط اشتراک دارند، با این تفاوت که یکی از آنها اجزا و شرایط بیشتری دارد؛ مانند اینکه مکلف شک کند که نماز را باید با سوره بخواند یا بدون سوره. در این صورت نماز با سوره و نماز بدون سوره در همه اجزا و شرایط به جز سوره مشترک‌اند.

محل بحث ما در این نوشته دوران بین متباینین است. مشهور اصولیان قایل‌اند که در صورت شک بین متباینین احتیاط واجب است؛ چون اطلاق تکلیف شارع، هم مواردی را شامل می‌شود که متعلق تکلیف معین است، هم مواردی که متعلق تکلیف بین چند چیز مردد است؛ مانند امر شارع به پرهیز از نوشیدن شراب (اجتنب عن الخمر) که اطلاق آن هم شراب

معین را شامل می‌شود و هم شراب مردد بین چند ظرف را و از دیگر سو عقل مانعی برای چنین تکلیفی نمی‌بیند. از این رو مقتضی وجوب احتیاط موجود و مانع آن مفقود است. در ادامه بحث دوران بین متباینین به این نکته پرداخته شده که آیا اگر اطراف شبهه زیاد باشد، باز هم به وجوب احتیاط حکم می‌شود؟ مانند اینکه ظرف شراب بین صد ظرف مردد باشد. در این صورت آیا باز هم باید از همه اطراف اجتناب کرد؟ اینجاست که بحث از شبهه محصوره و غیر محصوره به میان می‌آید. بسیاری از علما احتیاط در شبهه غیر محصوره را واجب نمی‌دانند و برخی نیز بین این دو شبهه فرق نمی‌گذارند. ما در این نوشته به دنبال حکم شبهه غیر محصوره نیستیم؛ بلکه در صدد بررسی ملاک‌هایی هستیم که برای فرق بین این دو شبهه بیان شده است. نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که قایلان به وجود تفاوت بین شبهه محصوره و غیر محصوره، صرف غیر محصوره بودن را مانع تنجز علم اجمالی می‌دانند و عناوین ثانوی دیگر را در این بحث دخالت نمی‌دهند (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۵؛ عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۸؛ خمینی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۲۴۲). توضیح اینکه عروض برخی عناوین مانع تنجز علم اجمالی است؛ مانند خروج از محل ابتلا، عسر و حرج، و اضطرار به ارتکاب برخی از اطراف شبهه؛ ولی بحث از شبهه غیر محصوره در جایی مطرح است که صرف فراوانی و عدم حصر اطراف شبهه مانع تنجز علم اجمالی شود و هیچ یک از عناوین مذکور دیگر وجود نداشته باشد (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۸).

پیشینه بحث

اصطلاح شبهه محصوره و غیر محصوره در روایات نیامده و از اختراعات فقهاست. البته برخی معتقدند این اختراع در روایات ریشه دارد و تفاوت بین شبهات محصوره و غیر محصوره از برخی روایات برداشت شده؛ هر چند که لفظ محصوره و غیر محصوره در آنها به کار نرفته است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۱۹۹). فقها از دیرباز در مسائل فقهی مختلف بین شبهه محصوره و غیر محصوره فرق می‌گذاشته‌اند. نخستین فقیهی که در عبارات خود به صراحت لفظ محصوره و غیر

محصوره را به کار برد و بین آنها تفاوت قائل شد، محقق حلی است (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶۳). پس از ایشان نیز دیگر فقها از این اصطلاح استفاده کرده‌اند؛ از جمله علامه حلی (حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۳۸)، شهید اول (عاملی، بی تا، ج ۱، ص ۵۶) و محقق ثانی (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۹۹)؛ ولی بحث از شبهه محصوره و غیر محصوره در علم اصول و تفکیک بین آنها از زمان وحید بهبهانی آغاز شد (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵، ص ۲۴۵). پیش از ایشان صرفاً در کتب فقهی به این مسأله اشاره می‌شد. پس از وحید بهبهانی، محقق نراقی این بحث را در اصول ادامه داد و ضابطه تشخیص شبهه محصوره و غیر محصوره را نیز ارائه کرد و درباره آن به بحث پرداخت (نراقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۹۴ و ۳۹۵). میرزای قمی نیز در کتاب قوانین این مسأله را به خوبی بررسی و تحلیل کرده است (قمی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۶۵). در کتاب ضوابط الأصول که تقریرات درس شریف‌العلماست نیز درباره تمایز بین شبهه محصوره و غیر محصوره سخن به میان آمده است (آملی مازندرانی، ۱۳۷۱، ص ۳۹۰).

بررسی دیدگاه‌ها درباره ضابطه عدم حصر شبهه

فقها برای تعیین محصوره بودن یا نبودن شبهه، ضوابط گوناگونی را مطرح کرده‌اند. در این بخش به ذکر مهم‌ترین نظریات در این باره و بررسی و نقد آنها می‌پردازیم.

ضابطه اول: دشوار بودن شمارش اطراف شبهه

برخی قایل شده‌اند که ضابطه غیر محصوره بودن شبهه این است که شمارش اطراف شبهه سخت باشد؛ مانند گله‌ای که می‌دانیم یکی از گوسفندان آن موطوئه است و شمارش تعداد گوسفندان این گله مستلزم عسر و دشواری است. بر اساس این ضابطه باید این گوسفند موطوئه را از مصادیق شبهه غیر محصوره به شمار آوریم (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۵۳).
دو اشکال به این ملاک وارد شده است:

۱. این ضابطه مبهم است و با تغییر مدت زمان شمارش، متفاوت می‌شود؛ مانند اینکه شمارش هزار گوسفند در سه دقیقه سخت است؛ ولی شمردن همین تعداد در یک ساعت دشوار نیست.

۲. فقها اتفاق نظر دارند که یک گوسفند در میان گله هزار رأسی، شبهه غیر محصوره است، ولی یک گندم در میان ده هزار گندم شبهه محصوره به شمار می‌رود؛ در حالی که شمارش یک هزار گوسفند راحت‌تر از شمارش ده هزار گندم است. بنابراین ملاک ارائه شده صحیح نیست (خویی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۲).

اشکال اول وارد نیست؛ چون معیار تشخیص عسر «عرف» است و نیازی نیست که زمان مشخصی برای آن تعیین شود. اشکال دوم نیز هرچند صحیح است، اشکال نقضی به شمار می‌آید.

هرچند این دو اشکال را وارد ندانستیم، با این حال ضابطه اول صرفاً ادعایی است که دلیلی برای اثبات آن وجود ندارد و به همین دلیل محقق خراسانی درباره چنین ضوابطی از تعبیر «جزاف» (ادعای بدون دلیل) استفاده کرده است (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۶۲).

ضابطه دوم: صدق عرفی

به گفته موافقان این ضابطه از آنجا که اصطلاح محصوره و غیر محصوره حقیقت شرعی نیست، برای تعیین آن باید به عرف مراجعه کنیم و ملاک تشخیص شبهه محصوره از غیر محصوره صدق عرفی است (عاملی، بی‌تا، ص ۲۲۴).

این ملاک قابل پذیرش نیست؛ زیرا اصطلاح محصوره و غیر محصوره از اختراعات فقهاست و در نصوص دینی نه تنها چنین اصطلاحی به صراحت به کار نرفته است، بلکه مضمون آن نیز وجود ندارد. از این رو دلیلی برای مراجعه به عرف وجود ندارد. اگر در نصوص شرعی چنین اصطلاحی وجود می‌داشت، مراجعه به عرف صحیح بود؛ زیرا عرف مرجع تعیین مفاهیمی است که در ادله شرعی آمده و حقیقت شرعی نیز ندارند. البته این مدعا که در ادله شرعی از این اصطلاح سخنی به میان نیامده نیازمند اثبات است و در مباحث بعدی به آن می‌پردازیم.

محقق خوئی اشکال دیگری نیز به این ملاک وارد کرده است با این بیان که محصوره بودن یا نبودن از معانی متأصل نیست؛ بلکه از امور اضافی است و با تغییر اشخاص و ازمان متفاوت می‌شود و عرف نمی‌تواند آن را تشخیص دهد. بنابراین نمی‌تواند ضابطه

درستی باشد (خویی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۳)؛ ولی این اشکال وارد نیست؛ چون امور غیر متأصل بر دو قسم اند: برخی از آنها دقیق و فلسفی اند و عرف نمی‌تواند آنها را درک کند و برخی دیگر فلسفی نیستند و عرف توانایی درک آنها را دارد؛ مانند ملکیت که از امور انتزاعی است، ولی عرف آن را درک می‌کند. محصوره بودن یا نبودن نیز از همین قسم دوم است که عرف می‌تواند آن را تشخیص دهد. از سوی دیگر چه اشکالی دارد که محصوره بودن یا نبودن با اختلاف ازمان و اشخاص تغییر کند؟ دلیلی نداریم که اگر شبهه‌ای از نگاه یک شخص غیر محصوره بود، برای دیگران هم باید غیر محصوره باشد.

ضابطه سوم: بی‌اعتنایی عقلا به علم اجمالی به دلیل کثرت اطراف شبهه

گاهی اطراف علم اجمالی آنقدر زیاد می‌شود که عقلا به علم اجمالی به دست آمده اعتنا نمی‌کنند. وقتی اطراف شبهه به این تعداد رسید، شبهه غیر محصوره است و در غیر این صورت، شبهه محصوره خواهد بود؛ مانند اینکه اگر مولا عبد خود را از معامله با شخصی به نام زید که در شهری بزرگ زندگی می‌کند نهد و عبد با وجود نهدی مولا با شخصی از اهالی این شهر معامله کند، در این صورت هرچند احتمال دارد که او همان زید باشد، کسی عبد را برای این معامله ملامت نمی‌کند؛ زیرا تعداد افراد شهر به حدی زیاد است که عقلا به داشتن علم اجمالی به وجود زید در این شهر اعتنا نمی‌کنند و این شبهه غیر محصوره خواهد بود (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۷۱).

این قول از نظر شیخ انصاری در کتاب *رسائل صحیح تر است*. البته ایشان در نهایت هیچ یک از اقوال را نمی‌پذیرد؛ با وجود این برخی از شاگردان شیخ قول دیگری را به ایشان نسبت داده‌اند که تحت عنوان ضابطه چهارم بیان می‌شود. به هر حال این ضابطه پذیرفتنی نیست؛ زیرا ادعای اینکه عقلا به دلیل کثرت اطراف شبهه به مورد مشکوک ترتیب اثر نمی‌دهند همیشه مقبول نیست. اگر علم اجمالی و احتمالات در ضرر دنیوی غیر مهم باشد، این ادعا صحیح است؛ یعنی عقلا در صورت کثرت اطراف شبهه به آن اعتنا نمی‌کنند؛ مثلاً اگر تاجری در طول ماه صد معامله انجام داده باشد و احتمال بدهد که در یکی از این معاملات مغبون شده است، بررسی نمی‌کند که کدام معامله غبنی بوده

است؛ اما اگر احتمال در ضررهای دنیوی مهم یا ضررهای اخروی باشد، عقلاً به آن اعتنا می‌کنند؛ هرچند اطراف شبهه کثیر باشد؛ مثلاً شخصی علم اجمالی دارد که یکی از هزار ظرف غذا به سمی مهلک آلوده است. در این صورت قطعاً به احتمال موجود در اطراف کثیر اعتنا می‌کند. بنابراین عقلاً به احتمالی که محتمل آن مهم باشد ترتیب اثر می‌دهند. بدون شک احکام شرعی از مطالب مهمی هستند که رضایت خداوند وابسته به رعایت آنهاست و عدم رضایت خداوند از انسان استحقاق عقاب را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه اگر دایره احتمالات در اطراف احکام شرعی باشد، عقلاً به چنین احتمالی نیز اعتنا می‌کنند (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۹).

ضابطه چهارم: موهوم بودن احتمال تکلیف در اطراف شبهه

اگر فراوانی اطراف شبهه موجب موهوم شدن احتمال تکلیف در هر یک از اطراف شود، آن شبهه غیر محصوره خواهد بود. این قول را محقق نایینی (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۶)، محقق خوبی (خوبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۲) و برخی دیگر از فقها به شیخ انصاری نسبت داده‌اند؛ هرچند قبل از شیخ در کتاب *هدایه المسترشدين* نیز این ضابطه ذکر شده است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۵۹۸).

در بررسی این ضابطه باید به دو مطلب پردازیم: نخست اینکه اصل این ضابطه را با صرف نظر از قایل آن بررسی و نقد کنیم؛ دوم اینکه انتساب این قول را به شیخ انصاری بررسی کنیم.

در بررسی اصل این ضابطه چند اشکال به نظر می‌رسد:

۱. موهوم بودن دارای ضابطه مشخصی نیست. وقتی احتمال از پنجاه درصد کمتر شود، به آن وهم گفته می‌شود. این وهم از ۴۹ درصد به پایین دارای مراتب مختلفی است و تعیین آن به عنوان ضابطه، در واقع احاله به مجهول است (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۶).
۲. موهوم بودن احتمال تکلیف مانع تنجیز نمی‌شود. فرض کنید قطره خونی در یکی از دو ظرف افتاده است. احتمال وقوع این خون در ظرف «الف» هشتاد درصد و احتمال وقوع آن در ظرف «ب» بیست درصد است. با وجود اینکه احتمال تکلیف درباره ظرف

«ب» موهوم است، به اتفاق فقها علم اجمالی در این فرض منجز است و باید از هر دو ظرف اجتناب کرد. دلیلش نیز این است که صرف احتمال تکلیف در هر مرتبه‌ای که باشد مساوی با احتمال عقاب است و احتمال عقاب تا زمانی که مؤمنی تحصیل نشود، ملاک تنجز تکلیف است (خویی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۳).

اما درباره انتساب این قول به شیخ انصاری باید گفت چنان که در توضیح ضابطه سوم بیان شد، نظر شیخ انصاری درباره ملاک غیر محصوره بودن این است که اطراف شبهه به اندازه‌ای زیاد باشند که عقلاً به علم اجمالی شکل گرفته در اطراف آن توجه نکنند (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۷۱)؛ اما محقق نایینی هنگامی که نظریه شیخ انصاری را مطرح می‌کند، عبارت ایشان را تغییر می‌دهد و عمده اشکالاتی هم که به ایشان وارد شده در واقع به عبارتی است که محقق نایینی اضافه کرده، نه به قول شیخ انصاری. در عبارت محقق نایینی آمده است که ملاک غیر محصوره بودن این است که کثرت اطراف شبهه به حدی باشد که احتمال تکلیف در هر یک از اطراف، موهوم باشد. در تعریف شیخ انصاری اصلاً سخنی از موهوم بودن به میان نیامده است؛ بلکه ایشان گفته ملاک غیر محصوره بودن این است که به دلیل کثرت اطراف شبهه عقلاً به علم اجمالی حاصل در اطراف آن اعتنا نکنند؛ چه این احتمال موهوم باشد، چه نباشد. بعد از محقق نایینی هم بیشتر علما برای بیان قول شیخ انصاری به عبارت محقق نایینی اشاره کرده‌اند.

ضابطه پنجم: عدم امکان عادی جمع بین اطراف شبهه به دلیل کثرت آنها

طبق این مبنا عدم حصر شبهه به این است که تعداد اطراف شبهه به حدی برسد که ارتکاب همه آنها به طور عادی برای مکلف ممکن نباشد (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۶). فقهای معاصر این قول را به محقق نایینی نسبت می‌دهند؛ ولی مبتکر آن میرزای قمی در کتاب قوانین است (قمی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۶۶).

تطبیق این ضابطه با تغییر متعلق علم اجمالی متفاوت می‌شود؛ مثلاً اگر علم اجمالی داشته باشیم که یک دانه گندم در یک ظرف گندم نجس است، این مورد از موارد شبهه محصوره است؛ زیرا می‌توان آن را به آرد و سپس نان تبدیل کرد و خورد. پس می‌توان

همه اطراف شبهه را مرتکب شد و این از مصادیق شبهه محصوره است؛ هرچند در آن ظرف هزاران دانه گندم باشد؛ اما اگر علم اجمالی پیدا کنیم که یک ظرف از صد ظرف شیر موجود در شهر نجس شده است، این مورد از شبهات غیر محصوره به شمار می‌آید؛ زیرا به طور عادی امکان ندارد که همه اطراف شبهه را مرتکب شویم. بنابراین صرف کثرت، ملاک غیر محصوره بودن نیست؛ زیرا در این صورت در مثال گندم نیز باید به غیر محصوره بودن قایل می‌شدیم؛ بلکه افزون بر کثرت اطراف، ارتکاب همه اطراف نیز باید عادتاً ممکن نباشد (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۷).

اشکال ضابطه مزبور این است که بر اساس این ضابطه باید شبهه کثیر در کثیر را غیر محصوره بدانیم؛ در حالی که این شبهه در حکم شبهه غیر محصوره است. فرض کنید سه هزار ظرف آب داریم و اجمالاً می‌دانیم که یک سوم آنها نجس‌اند. طبق ضابطه یادشده باید این شبهه را غیر محصوره بدانیم؛ زیرا عادتاً امکان ارتکاب همه اطراف وجود ندارد؛ در حالی که خود محقق نایینی این شبهه را محصوره می‌داند. این نقضی است که می‌توان به کلام محقق نایینی وارد کرد. البته اشکالات دیگری نیز به این ضابطه وارد شده که پذیرفتنی نیستند؛ از جمله:

اشکال اول: ممکن نبودن ارتکاب همه اطراف شبهه با غیر محصوره بودن شبهه تلازم ندارد؛ چراکه گاهی با وجود کم بودن اطراف شبهه، توانایی جمع همه اطراف وجود ندارد. برای نمونه اگر اجمالاً بدانیم که در زمان مشخصی نشستن در یکی از دو اتاق حرام است، در این فرض امکان جمع بین دو طرف وجود ندارد و طبق تعریف ارائه شده باید از موارد شبهه غیر محصوره باشد؛ در حالی که هیچ فقیهی چنین حکمی نمی‌کند و این مثال به طور قطع از مصادیق شبهه محصوره است (خویی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۴).

به اعتقاد ما این اشکال به محقق نایینی وارد نیست؛ زیرا با دقت در عبارات ایشان معلوم می‌شود که صرف عدم امکان ارتکاب همه اطراف شبهه برای غیر محصوره بودن آن کافی نیست؛ بلکه افزون بر آن فراوانی اطراف هم لازم است. به عبارت دیگری از نظر محقق نایینی ممکن نبودن ارتکاب همه اطراف در صورتی ملاک غیر محصوره بودن

است که منشأ آن فراوانی اطراف باشد؛ اما در مثالی که به عنوان نقض بر کلام ایشان بیان شد، علت ممکن نبودن ارتکاب همه اطراف شبهه استحاله عقلی است؛ چون یک نفر نمی‌تواند در یک زمان در دو مکان قرار گیرد.

پاسخ به این شبهه حتی در کلام خود محقق نایینی هم وجود دارد. ایشان در قسمتی از توضیحات خود می‌گویند عدم تمکن عادی از ارتکاب همه اطراف به تنهایی کافی نیست؛ چون گاهی با وجود محصوره بودن شبهه امکان جمع بین تمام اطراف وجود ندارد؛ مانند اینکه یکی از اطراف شبهه در دورترین بلاد غربی باشد؛ بلکه برای تحقق شبهه غیر محصوره لازم است که دو شرط با هم باشند: یکی کثرت اطراف و دیگری امکان نداشتن جمع تمام اطراف (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۷-۱۱۸).

اشکال دوم: مراد از ممکن نبودن جمع بین اطراف شبهه چیست؟ آیا جمع دفعی مراد است یا جمع تدریجی؟ اگر عدم امکان جمع دفعی مراد باشد، باید بسیاری از شبهات محصوره را نیز در غیر محصوره داخل کرد؛ زیرا در بسیاری از شبهات محصوره امکان جمع دفعی بین اطراف شبهه وجود ندارد؛ مانند اینکه در یکی از سه ظرف آب قطره خونی افتاده باشد و امکان تجمیع آب‌های این سه ظرف وجود نداشته باشد؛ یعنی هر یک از ظروف باید به طور جداگانه مصرف شود. در این صورت امکان جمع دفعی بین اطراف وجود ندارد و طبق تعریف مذکور باید این مورد از مصادیق شبهه غیر محصوره باشد؛ در حالی که بر محصوره بودن چنین موردی اتفاق نظر وجود دارد. اما اگر عدم امکان جمع تدریجی بین اطراف مقصود باشد هرچند زمان زیادی از آن بگذرد، در این فرض اولاً باید مدت زمان مشخص شود و ثانیاً طبق این فرض بسیاری از شبهاتی که بر غیر محصوره بودن آن اتفاق است، محصوره به شمار می‌روند؛ مانند اینکه اگر قطره خونی در ظرفی از بین هزار ظرف آب افتاده باشد، در طول یک سال می‌توان تمام اطراف آن را مرتکب شد و در نتیجه این شبهه باید محصوره باشد؛ در حالی که نمی‌توان به این مطلب ملتزم شد (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ خمینی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۲۴۹).

با دقت در عبارات محقق نائینی معلوم می‌شود که این اشکال نیز وارد نیست. ملاکی که ایشان برای غیر محصوره بودن ارائه کرد این بود که فراوانی اطراف شبهه به حدی باشد که ارتکاب همه اطراف برای مکلف عادتاً ممکن نباشد. قید «عادتاً» به این معناست که در حالت معمولی و طبیعی نتوان تمام اطراف را مرتکب شد. بنابراین نمی‌توان به عنوان نقض بر این قاعده گفت امکان نوشیدن هزار ظرف در یک سال وجود دارد؛ زیرا این را جمع عادی نمی‌گویند. بله؛ اگر مثلاً سه ظرف باشد، می‌توان گفت به طور عادی امکان جمع بین همه اطراف وجود دارد؛ اما جمع بین هزار ظرف در یک سال عادی به شمار نمی‌آید. مستشکل در واقع می‌خواهد بگوید که این قاعده از جهت زمان جمع بین اطراف، مبهم است. یک شبهه با اطراف کم در مدت کوتاه یا به طور دفعی قابل جمع نیست و باید غیر محصوره محسوب شود و شبهه‌ای دیگر با اطراف بسیار در مدتی طولانی قابل جمع است و باید محصوره تلقی شود؛ در حالی که اتفاق نظر فقها بر خلاف این قاعده است. جواب این اشکال با توجه به قید «عادتاً» روشن می‌شود و امکان یا استحاله جمع میان اطراف شبهه باید در زمان عادی و معمولی ملاحظه شود.

اشکال سوم: این ضابطه مبهم و غیر منضبط است؛ چون با اختلاف متعلق علم اجمالی،

اختلاف اشخاص و اختلاف زمان متفاوت می‌شود (خویی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۴).

مثال اختلاف متعلق علم اجمالی: علم اجمالی به نجس بودن یک دانه گندم در میان یک ظرف گندم از موارد شبهه محصوره است؛ زیرا می‌توان آن را به آرد و سپس نان تبدیل کرد و آن را خورد. پس می‌توان همه اطراف شبهه را مرتکب شد و این از مصادیق شبهه محصوره است؛ هرچند در آن ظرف هزار دانه گندم باشد؛ اما علم اجمالی به نجاست یک ظرف از هزار ظرف شیر موجود در شهر از شبهات غیر محصوره به شمار می‌آید؛ زیرا به طور عادی امکان ندارد که همه اطراف شبهه را مرتکب شویم.

مثال اختلاف اشخاص: شخصی نتواند بین ده ظرف آب جمع کند؛ اما شخص دیگری

توانایی این کار را داشته باشد.

مثال اختلاف زمان: نوشیدن صد ظرف آب در مدت یک روز محال است؛ اما در مدت یک ماه ممکن.

به این ترتیب باید ملتزم شویم که در مثال اول تردید بین هزار دانه گندم شبیه محصوره است، اما تردید بین هزار ظرف شیر شبیه غیر محصوره. همچنین در مثال دوم باید بپذیریم که علم اجمالی متعلق به ده ظرف برای شخص اول شبیه غیر محصوره، ولی برای شخص دوم شبیه محصوره است. در مثال سوم نیز باید قایل شویم که شبیه در مدت سه روز غیر محصوره است، اما در طول یک ماه محصوره است. در حالی که ملاک ما باید ضابطه مند و ثابت باشد، نه اینکه در حالات مختلف تغییر کند.

به نظر می‌رسد این ایراد نیز وارد نیست؛ زیرا اشکالی ندارد که شبیه محصوره به حسب متعلق آن و به حسب افراد مختلف متفاوت باشد و دلیلی نداریم که اگر شبیه‌ای برای یک شخص یا یک متعلق محصوره شد، باید برای همه محصوره باشد. خود محقق نایینی تصریح کرده که ممکن است با تغییر متعلق علم اجمالی، شبیه نیز از حیث محصوره یا غیر محصوره بودن تغییر کند (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۷). درباره تغییر شبیه با تغییر مدت زمان ارتکاب هم در اشکال قبل توضیح داده شد که از کلام محقق نایینی استفاده می‌شود مراد از امکان یا استحاله ارتکاب همه اطراف، ارتکاب در زمان معمولی و عادی است.

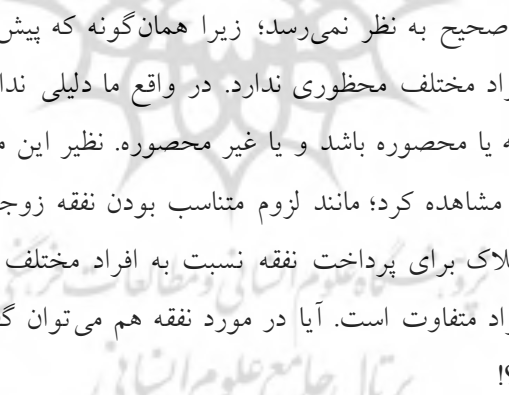
ضابطه ششم: متعسر بودن موافقت قطعی

اگر اطراف علم اجمالی به حدی زیاد شود که موافقت قطعی با آن متعسر شود، به این شبیه غیر محصوره می‌گویند (بروجردی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۸-۲۷۹). در قول اول هم بحث از عسر به میان آمد که البته متعلق عسر در آنجا شمارش بود؛ ولی متعلق عسر در این ضابطه موافقت قطعی است؛ مانند اینکه اگر علم اجمالی داشته باشیم که یکی از سه نانوائی محله از آرد نجس استفاده کرده، برای اینکه از امر «اجتنب عن النجس» اطاعت کنیم به گونه‌ای که موافقت قطعی حاصل شود، می‌توانیم از نانوائی محله‌ای دیگر نان تهیه کنیم. در این مثال امتثال قطعی دشواری و عسر به دنبال ندارد؛ اما اگر علم اجمالی

ما به نجاست آرد یکی از نانوائی‌های شهر تعلق بگیرد، در این فرض برای موافقت قطعی باید از نان شهر دیگر استفاده کنیم یا اینکه خودمان نان بپزیم. در این صورت موافقت قطعی موجب به زحمت افتادن مکلف می‌شود و شبهه غیر محصوره خواهد بود.

اشکال این ضابطه این است که عسر خودش به تنهایی یکی از موانع تنجز علم اجمالی است و فرقی نمی‌کند که اطراف شبهه زیاد باشد یا کم. اگر اطراف علم اجمالی محصور باشد اما موافقت قطعی آن موجب عسر شود، علم اجمالی منجز نمی‌شود. پس این تعریف از شبهه غیر محصوره نمی‌تواند عنوان مستقلی برای منع از تنجز علم اجمالی باشد.

ممکن است به این ضابطه اشکال دیگری وارد شود به این صورت که در بحث قاعده نفی عسر بیان شده است که مراد از نفی عسر، نفی عسر شخصی است نه عسر نوعی. از این رو ممکن است در شبهه‌ای موافقت قطعی برای شخصی موجب عسر باشد؛ اما برای شخص دیگری مستلزم عسر نباشد. با این اوصاف ضابطه مذکور مبهم است و شاخص معینی ارائه نمی‌دهد.

اشکال دوم نیز صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، متغیر بودن شبهه برای افراد مختلف محظوری ندارد. در واقع ما دلیلی نداریم که بگوییم یک شبهه باید برای همه یا محصوره باشد و یا غیر محصوره. نظیر این مطلب را در مسائل دیگر فقهی می‌توان مشاهده کرد؛ مانند لزوم متناسب بودن نفقه زوجه با شأن و جایگاه اجتماعی او. این ملاک برای پرداخت نفقه نسبت به افراد مختلف متغیر است؛ چون جایگاه اجتماعی افراد متفاوت است. آیا در مورد نفقه هم می‌توان گفت ملاک آن مبهم و غیر منضبط است؟! 

بیان دیدگاه مختار درباره ملاک محصوره بودن شبهه

تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که هیچ یک از ملاک‌های ارائه شده برای تشخیص شبهه محصوره از شبهه غیر محصوره پذیرفتنی نیستند. به اعتقاد ما لزومی ندارد که ضابطه‌ای مشخص برای تشخیص شبهه محصوره از شبهه غیر محصوره بیابیم که شرع آن را تعیین کرده باشد؛ زیرا بررسی و تحلیل عنوانی خاص زمانی لازم است که آن عنوان موضوع

دلیلی نقلی یا عقلی باشد. در غیر این صورت، بررسی یک عنوان و مشخص کردن حدود و ثغور آن به عنوان ملاکی شرعی لزومی ندارد. البته از این جهت که اصطلاح مذکور در عبارات فقها کاربرد زیادی دارد، تحلیل و بررسی آن برای کشف علت جعل این اصطلاح لازم به نظر می‌رسد.

۱. اثبات شرعی یا عقلی نبودن عنوان شبهه محصوره و غیر محصور

محصوره و غیر محصوره از عناوینی است که در نصوص شرعی به آن اشاره نشده است. همچنین این عنوان موضوع معاهد اجماع یا سیره عقلا و سیره متشرعه و دلیل عقلی نیز واقع نشده است؛ بلکه از عناوین اختراعی فقهاست. اکنون به تفصیل به اثبات این مدعا می‌پردازیم و ثابت می‌کنیم که عناوین مذکور در هیچ دلیل نقلی یا عقلی اخذ نشده است.

۱-۱. روایات

برخی از فقها معتقدند هرچند در روایات به صراحت از شبهه محصوره و غیر محصوره نامی برده نشده، مضمون این دو عنوان در روایات وجود دارد. از طرفی چنین نیست که فقط تعیین عنوانی که به صراحت در دلیل نقلی یا عقلی آمده، لازم باشد؛ بلکه اگر عنوانی را از روایات استنباط کردیم، باید حدود ثغور آن را بررسی کنیم. به عبارت دیگر مضمون عنوان شبهه محصوره و غیر محصوره در روایات آمده است و همین مقدار برای التزام به تعیین ضابطه برای آن کفایت می‌کند. در این باره به دو روایت اشاره می‌شود:

روایت اول: ابی‌جارود به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: «شخصی به من خبر داده که در جایی پنیر را با مایه نجس فراوری می‌کنند. حکم آن چیست؟» امام سؤال او را با دو عبارت پاسخ می‌دهند: نخست اینکه می‌فرمایند: «آیا برای اینکه در یک جا شخصی چنین کاری کرده است باید از همه پنیرهای موجود در عالم اجتناب شود؟ اگر علم داشتی که پنیری با مایه نجس تهیه شده از آن اجتناب کن. در غیر این صورت اجتناب لازم نیست.» در عبارت دوم امام می‌فرمایند: «به خدا سوگند من وارد بازار می‌شوم و در آن گوشت و روغن و پنیر می‌خرم و به خدا سوگند که من گمان نمی‌کنم همه این فروشندگان هنگام ذبح حیوان نام خدا را ببرند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۱۹۹).

از این دو عبارت چنین برداشت شده که امام در شبهه غیر محصوره احتیاط را لازم نمی‌دانند. استدلال به بخش اول سخن امام چنین است: ابی‌جارود علم اجمالی دارد که برخی از پنیرهای موجود نجس‌اند، ولی امام به او فرمودند که لزومی ندارد از همه پنیرها پرهیز کنی. در واقع مقصود امام این است که چون تعداد پنیرها غیر محصوره است، احتیاط لازم نیست. به تعبیر امام خمینی دلالت این روایت بر عدم لزوم احتیاط در شبهه غیر محصوره روشن است (خمینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۳۴).

با صرف نظر از اشکال سندی این روایت، این استدلال از دو جهت قابل مناقشه است: **اولاً** در این روایت ابی‌جارود می‌گوید: «أخبرنی من رأی»؛ یعنی شخصی که ماجرا را دیده به من گفته است که برخی پنیرها نجس است. ابی‌جارود نگفته که من علم دارم. اینکه شخصی قضیه‌ای را برای دیگری تعریف کند، ملازمه‌ای ندارد که مخاطب هم به کلام گوینده یقین پیدا کند. به عبارت دیگر احتمال دارد که این روایت درباره شبهه بدوی باشد، نه شبهه مقرون به علم اجمالی. پس این روایت با شبهه غیر محصوره ارتباطی ندارد.

ثانیاً بر فرض که حکایت ناقل ماجرا برای ابی‌جارود یقین‌آور بوده و فرض روایت شبهه مقرون به علم اجمالی باشد، امام فرمودند که به دلیل عدم حصر شبهه احتیاط لازم نیست؛ بلکه فرمودند برای یک پنیر نجس نباید همه پنیرها را تحریم کرد. این عبارت ممکن است اشاره به خروج برخی اطراف شبهه از محل ابتلا باشد؛ یعنی مراد امام این باشد که چون بسیاری از پنیرهای موجود مورد ابتلای شما نیست، علم اجمالی منجز نمی‌شود و در نتیجه احتیاط بر شما واجب نیست. با وجود این احتمال در معنای روایت نمی‌توان گفت که روایت به شبهه غیر محصوره اشاره دارد.

استدلال به عبارت دوم نیز به این صورت است که امام فرمودند: من به بازار می‌روم و با اینکه می‌دانم برخی از قصاب‌ها شرایط شرعی ذبح را رعایت نمی‌کنند، گوشت، روغن و پنیر می‌خریدارم؛ یعنی با وجود علم اجمالی به حرمت مصرف برخی اقلام، به دلیل کثرت فروشندگان و غیر محصوره بودن شبهه، احتیاط لزومی ندارد.

از این بخش روایت نیز نمی‌توان عدم لزوم احتیاط در شبهه غیر محصوره را فهمید؛ زیرا در این فقره امام فرمودند که من به رعایت نشدن شرایط شرعی ذبح یقین دارم؛ بلکه فرمودند: «ما أظن»؛ یعنی گمان نمی‌کنم که همه حیوانات را به صورت شرعی ذبح کنند. به دیگر سخن امام به حلال بودن همه اقلام خوراکی یقین ندارند و این عبارت به این معناست که امام در شرعی بودن ذبح شک دارند. با این توضیح معلوم می‌شود که کلام امام ناظر به شبهات بدوی است نه شبهات مقرون به علم اجمالی، و بی‌شک احتیاط در شبهات بدوی لازم نیست.

روایت دوم: ابی‌عبیده از امام باقر علیه السلام پرسید: یکی از شیعیان شتر یا گوسفندی را که از اموال زکات است از حاکم ستمگر می‌خرد در حالی که می‌داند کارگزاران حاکم بیش از مقدار شرعی از مردم زکات می‌گیرند. در این صورت آیا می‌توان از این شترها یا گوسفندها خرید؟ امام در جواب فرمودند: شتر و گوسفند نیز مثل گندم و جوی هستند که به عنوان زکات جمع‌آوری شده است. همان‌طور که خرید گندم و جو زکوی اشکال ندارد، خرید شتر و گوسفند زکوی نیز اشکال ندارد. تا زمانی که به طور معین به مورد حرام علم نداشته باشی، خرید آن حلال است (کلینی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۲۸).

استدلال به این روایت چنین است که چون شترها و گوسفندهای حرام معدودی در میان تعداد زیادی از چهارپایان اخذ شده وجود دارد، شبهه غیر محصوره خواهد بود و امام به همین دلیل فرمودند که خرید آنها اشکال ندارد. پس در این روایت نیز به شبهه غیر محصوره اشاره شده و به همین دلیل باید مفهوم آن مشخص شود.

این استدلال هم ناتمام است؛ زیرا در روایت مذکور این احتمال نیز وجود دارد که امام به دلیل در محل ابتلا نبودن همه اطراف شبهه، حکم به اباحه خرید کرده باشند؛ یعنی علت عدم وجوب احتیاط در این روایت می‌تواند عدم تنجز علم اجمالی به دلیل خروج برخی از اطراف شبهه از محل ابتلا باشد. با وجود چنین احتمالی روایت از این جهت مجمل است و نمی‌توان گفت مراد روایت عدم تنجز علم اجمالی به دلیل محصوره نبودن شبهه است.

۲-۱. اجماع

برخی از محققان معتقدند که همه علما در واجب نبودن احتیاط در شبهه غیر محصوره اتفاق نظر دارند و عمل همه مسلمانان در جمیع اعصار و امصار مطابق با این نظریه بوده است (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵، ص ۲۴۷). برخی دیگر نیز اجماعات منقول در این باره را مستفیض می‌دانند (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۵۷). بنابراین می‌توان ادعا کرد عنوان شبهه غیر محصوره موضوع معاهد اجماع است و به همین دلیل باید برای مشخص شدن گستره آن ضابطه مشخص شود.

به اعتقاد ما ادعای اجماع در این مسأله صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً همان‌طور که در پیشینه تاریخی بحث گذشت، نخستین اشارات درباره تفکیک شبهه محصوره و غیر محصوره به زمان محقق حلی، یعنی قرن هفتم هجری بازمی‌گردد و قبل از ایشان اشاره واضحی به این مسأله یافت نشده است. در علم اصول نیز اولین کسی که این بحث را مطرح کرده وحید بهبهانی در قرن دوازده هجری است. با اینکه بسیاری از قداما به لازم نبودن احتیاط در شبهه غیر محصوره هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند، معلوم نیست بر چه اساسی در این مسأله ادعای اجماع شده است.

ثانیاً به فرض که در این مسأله اجماعی محقق باشد، مدرکی یا محتمل‌المدرکی است و مشهور اجماع مدرکی را حجت نمی‌داند. دلیل مدرکی بودن این است که قایلان به عدم وجوب احتیاط در فرض عدم حصر شبهه به دلایل مختلفی در این باره تمسک کرده‌اند. برخی به روایاتی مانند روایت نجاست پنیر و اموال زکوی استناد کرده‌اند. گروهی نفی حرج را مستند حکم خود قرار داده‌اند. عده‌ای نیز اعتنا نکردن عقلا به علم اجمالی شکل گرفته در اطراف شبهه غیر محصوره را به عنوان دلیل ذکر کرده‌اند. با این اوصاف اگر اجماعی شکل گرفته باشد، تبعدی نیست و اعتباری ندارد.

۳-۱. سیره و عقل

ممکن است برخی ادعا کنند عنوان شبهه غیر محصوره در حکم سیره عقلا یا متشرعه وجود دارد؛ به این بیان که عقلا یا متشرعه در مواردی که شبهه غیر محصوره باشد، به

عدم لزوم احتیاط حکم می‌کنند. از این رو تعیین ضابطه برای شبهه غیر محصوره ضرورت دارد.

در پاسخ به این ادعا می‌توان گفت که برای ما چنین سیره‌ای ثابت نشده است که عقلاً یا متشرعاً صرفاً به دلیل کثرت اطراف شبهه و بدون عروض عنوان ثانوی دیگری به عدم وجوب احتیاط حکم کرده باشند؛ بلکه تنها در مواردی چنین سیره‌ای وجود دارد که عناوینی چون عسر و حرج، خروج از محل ابتلا یا اضطرار عارض شود و از آنجا که سیره دلیل لَبّی است، در صورت شک تنها به قدر متیقن آن می‌توان تمسک کرد.

درباره عقل نیز نمی‌توان ادعا کرد که صرفاً به سبب غیر محصوره بودن شبهه، عقل به عدم لزوم احتیاط حکم می‌کند. هنگامی که شارع حکمی را ابلاغ می‌کند، عقل به لزوم امتثال آن حکم می‌کند؛ مگر اینکه موانع تنجیز علم اجمالی عارض شود که در این صورت عقل از حکم اولیه خود دست می‌کشد و احتیاط را لازم نمی‌داند. از دیدگاه عقل صرف کثرت اطراف شبهه نمی‌تواند مانع تنجیز علم اجمالی باشد.

تا اینجا اثبات شد که اصطلاح غیر محصوره و مضمون آن در ادله شرعی وجود ندارد و جزء مصطلحات اختراعی فقهاست و نیز بیان شد که همه ضوابطی که برای شبهه غیر محصوره بیان شده، دارای اشکالاتی است که راه را برای التزام به این ضوابط می‌بندند. با همه این اوصاف از آنجا که در موارد متعددی از عبارات فقها و اصولیان از این اصطلاح استفاده شده است، لازم است به بررسی علت استفاده از این اصطلاح و تبیین آن پردازیم.

۲. منشأ جعل اصطلاح محصوره و غیر محصوره

با بررسی ادله‌ای که احتمال اخذ عنوان محصوره و غیر محصوره در موضوع آنها وجود داشت به این نتیجه رسیدیم که در هیچ یک از ادله نمی‌توان ثابت کرد که این دو عنوان در موضوع آنها اخذ شده است. از این رو بررسی عنوان محصوره و غیر محصوره و تعیین ضابطه برای آن ضرورتی ندارد. حال این پرسش به ذهن می‌آید که اگر این عنوان در عدم تنجیز علم اجمالی دخالتی ندارد، دلیل استفاده فقها از آن چیست؟ به چه دلیل فقها در مواردی، علت عدم لزوم احتیاط را غیر محصوره بودن شبهه دانسته‌اند؟ دو احتمال در

پاسخ به این پرسش وجود دارد: احتمال نخست درباره برخی از صاحب‌نظران متأخر قابل تطبیق است؛ چراکه خود ایشان تصریح کرده‌اند عنوان غیر محصوره از روایات قابل اصطیاد است؛ هرچند با بیانات گذشته بطلان این ادعا روشن شد. این فقها از برخی روایات یا دیگر ادله این استفاده را کرده‌اند که خود غیر محصوره بودن به تنهایی علت عدم لزوم احتیاط در موارد وجود علم اجمالی است. احتمال دوم درباره برخی از متقدمان مطرح است که از این اصطلاح استفاده کرده‌اند، درحالی‌که در آثار خود به وجود این اصطلاح یا مضمون آن در روایات یا دیگر ادله تصریحی نداشته‌اند. ایشان عنوان غیر محصوره بودن را صرفاً برای اشاره به مواردی به کار برده‌اند که علم اجمالی در آنها به مرحله تنجز نرسیده است. به عبارت دیگر غیر منحصره بودن، عنوان مشیر به مواردی بوده است که به دلایلی مانند لزوم عسر و حرج و خروج از محل ابتلا، احتیاط در آنها لازم نبوده است.

برای اثبات مدعای مذکور سه شاهد می‌توان ارائه کرد:

۱. کثرت اطراف شبهه و محصوره نبون آن در بسیاری موارد موجب لزوم عسر و حرج در امتثال دستورهای شارع و همچنین موجب خروج برخی از اطراف شبهه از محل ابتلا می‌شود. به عبارت دیگر خاصیت کثرت اطراف شبهه این است که در بیشتر موارد با دو عنوانی که از موانع تنجز علم اجمالی‌اند تلازم دارد: یکی عسر و حرج و دیگری خروج برخی اطراف شبهه از محل ابتلا. با توجه به وجود چنین ملازمه‌ای می‌توان گفت از نگاه قدما غیر منحصره بودن، عنوانی بوده که برای اشاره به مصادیق لزوم عسر و حرج یا خروج از محل ابتلا به کار رفته است؛ نه اینکه خودش فی‌نفسه در منجز نشدن علم اجمالی دخالت داشته باشد.

۲. در برخی ضوابط عدم حصر شبهه به لزوم عسر و حرج اشاره شده است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۵۳؛ بروجردی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۸ و ۲۷۹؛ عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۹). گویا خود قایلان به این ضوابط هم اعتقاد داشته‌اند که صرف فراوان بودن اطراف شبهه بدون لزوم عسر و حرج نمی‌تواند علت عدم لزوم احتیاط باشد.

۳. در بسیاری از مواردی که شبهات را غیر محصوره نامیده و به عدم وجوب احتیاط حکم کرده‌اند، علت این حکم را عسر و حرج معرفی کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۲، ص ۱۹۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۴۳۸؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۵۴۵). با توجه به این قرائن می‌توان مدعی شد که عنوان غیر محصوره در حکم به عدم لزوم احتیاط دخالت ندارد؛ بلکه عنوانی است مشیر به عناوینی چون لزوم عسر و حرج یا خروج از محل ابتلا. در ادامه با بررسی سه مورد از مثال‌هایی که برای شبهه غیر محصوره بیان شده است، مشخص می‌شود که عدم تنجر در این موارد به دلیل وجود عناوین دیگری است که از آنها غفلت شده است:

الف) اگر به کسی که فرزند او در شهری بزرگ است اطلاع دهند که امروز شخصی در آن شهر فوت کرده است، با اینکه علم اجمالی دارد، اصلاً به آن اعتنا نمی‌کند و ترتیب اثر نمی‌دهد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۲۲۵). در این مثال ترتیب اثر ندادن به علم اجمالی به دلیل غیر محصوره بودن نیست؛ بلکه علتش این است که فرزند خود را از محل ابتلا خارج می‌داند؛ زیرا اگر همین شخص قرینه‌ای داشته باشد و احتمال دهد که پسر او هم طرف علم اجمالی است، بلافاصله ترتیب اثر می‌دهد؛ در حالی که از نظر عدم حصر شبهه تغییری ایجاد نشده است.

ب) در صورت مشتبه شدن ظرف نجس یا مغضوب در میان موارد غیر محصوره مانند وجود یک ظرف در بین هزار ظرف، اجتناب لازم نیست (طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۰۹). عسر و حرج همچنین مبتلا به نبودن همه ظروف از جمله عناوینی است که در این مثال قابل تطبیق‌اند.

ج) یک گوسفند در شهری بزرگ یا لباسی در یک بازار جزء موارد شبهه غیر محصوره دانسته شده و به همین دلیل اجتناب لازم نیست (طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۰۷). در این دو مثال نیز آنچه باعث جواز ارتکاب می‌شود، عدم ابتلاست؛ زیرا همه گوسفندان یا لباس‌ها محل ابتلای مکلف نیستند. افزون بر اینکه ترک همه موجب عسر و حرج می‌شود.

نتیجه‌گیری

به گفته مشهور فقها در صورت تحقق علم اجمالی در اطراف شبهه غیر محصوره احتیاط لازم نیست. برای مشخص شدن محدوده حصر و عدم حصر شبهه ضوابط مختلفی مطرح شده است که پس از بررسی آنها به این نتیجه رسیدیم که هیچ یک از ضوابط ارائه شده خالی از اشکال نیست. از سوی دیگر با بررسی روایات، اجماعات، سیره عقلا و متشرعه و دلیل عقلی به این نتیجه رسیدیم که عنوان محصوره و غیر محصوره بودن در موضوع هیچ یک از ادله مذکور اخذ نشده است. در همه مواردی که گمان شده غیر محصوره بودن مانع تنجیز علم اجمالی شده، عناوین دیگری مانند عسر و حرج یا خروج اطراف شبهه از محل ابتلا وجود داشته است که در واقع این عناوین مانع تنجیز علم اجمالی شده‌اند و عنوان غیر محصوره، مشیر به عناوینی چون عسر و حرج یا خروج از محل ابتلا بوده است؛ نه اینکه فی نفسه در عدم تنجیز علم اجمالی دخالت داشته باشد.

فهرست منابع

۱. آملی مازندرانی، محمد شریف (۱۳۷۱ش). ضوابط الأصول. چاپ اول. قم: مؤلف.
۲. اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۹ق). هدایة المسترشدين. چاپ دوم. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۸ق). فرائد الأصول. چاپ نهم. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. چاپ اول. قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه.
۵. بروجردی، حسین (۱۴۱۲ق). الحاشیة علی کفاية الأصول. چاپ اول. قم: انصاریان.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). کفاية الأصول. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق). أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفاية. چاپ دوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۳ق). تهذیب الأصول. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۰ق). معتمد الأصول. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۳. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). مصباح الأصول. چاپ پنجم. قم: مكتبة الداوری.
۱۴. طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی فی ما تعلق به البلوی (المحشی). چاپ اول. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. عاملی، شهید اول (بی تا). التواعد و الفوائد. چاپ اول. قم: کتاب فروشی مفید.
۱۶. عاملی، شهید ثانی (بی تا). روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان. چاپ اول. قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
۱۷. عاملی، شهید ثانی (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. چاپ اول. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۸. عاملی، کرکی (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح التواعد. چاپ دوم. قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
۱۹. عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق). مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. چاپ اول. بیروت: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
۲۰. عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷ق). نهاية الأفكار. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷ش). سیری کامل در اصول فقه شیعه. چاپ اول. قم: فیضیه.
۲۲. قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). القوانین المحکمة فی الأصول. چاپ اول. قم: إحياء الكتب الإسلامية.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دار الكتب الإسلامية.
۲۴. نایینی، محمد حسین (۱۳۵۲ش). أجود التقریرات. چاپ اول. قم: مطبعة العرفان.
۲۵. نایینی، محمد حسین (۱۳۷۶ش). فوائد الأصول. چاپ اول. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲۶. نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۸ش). *أنیس المجتهدین فی علم الأصول*. چاپ اول. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۲۷. وحید بهبهانی، محمداقبر (۱۴۱۵ق). *الفوائد الحائریة*. چاپ اول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.

